



# هیولا شناسی

The Curse of the Wendigo

ریک یانسی • مهنام عبادی

جلد دوم : تقریب و ندیگو

نشر باز

# سر آغاز

سپتامبر ۲۰۰۹:  
«بریده‌های روزنامه»

خوانش‌گر<sup>۱</sup> یک معلم بازنشسته‌ی انگلیسی در مقطع راهنمایی بود که مادرش در سال ۲۰۰۱ برای زندگی به آسایشگاه آمد. خوانش‌گر طی پنج سال بعدی برای ملاقات با مادرش، هر هفته مسیر سی دقیقه‌ای آلاچوا<sup>۲</sup> به گینزویل<sup>۳</sup> را رانندگی می‌کرد. در آب و هوایی بهاری و در حیاطی سنگفرش شده کنار هم می‌نشستند و حالا در آن، کنار من، نشسته بود. حیاط بین دو ساختمان خوابگاه اصلی خانه‌ی سالمندان قرار داشت. فواره‌ای در وسط حیاط غل‌غل می‌کرد و میزهای کوچک و گرد مخصوص نوشیدن از سه طرف احاطه‌اش کرده بودند. میزها را برای در امان نگه داشتن از تأثیرات خوردنده‌ی آب و هوای شرعی فلوریدا، بارها و بارها رنگ می‌زدند. حتی حالا، در اواخر سپتامبر، هوا به شدت مرطوب و دما حول و حوش سی‌ودو درجه‌ی سانتی‌گراد بود؛ تازه در سایه!

<sup>۱</sup> The reader

<sup>۲</sup> Alachua

<sup>۳</sup> Gainesville